

تسریع در ورود خسارت

حسن ره‌پیک* - حمید افکار**

(دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۶)

چکیده

در تحقق خسارت، زمان به‌عنوان یک وصف برای نتیجه تلقی می‌شود و نمی‌تواند مستندکننده نتیجه به سبب شود. امکان ایجاد خسارت در هر لحظه از زمان، در صورت تحقق شرایط و اسباب و عدم تأثیر موانع، وجود دارد اما ممکن است این خسارت به علت عدم برقراری رابطه علیت از یک بازه زمانی به بازه دیگری منتقل شده و دخالت عواملی، تحقق خسارت را تعجیل نموده یا به تأخیر بیندازد. عواملی که در این حالت، تحقق نتیجه را خواه یک‌باره یا به تدریج، زودتر از موعد مقرر خود رقم می‌زنند، عوامل تسریع‌کننده فرض می‌شوند. برخی نویسندگان با در نظر گرفتن این فرض که خسارت در واقع معلول یک علت خاص خواهد بود و تحقق آن بر اثر آن سبب در نهایت قطعی است لیکن به‌خاطر دخالت عوامل جدید، زودتر از موعد مقرر و بدون دخالت آن عوامل قطعی‌الوصول محقق شده، عامل تسریع‌کننده را از مسئولیت معاف کرده‌اند اما قواعد مسئولیت مدنی، چنین نظری را با اشکال جدی مواجه می‌کند. همچنین در فرض تعدد اسباب که در کنار یکدیگر، زمان خسارت را به جلوتر منتقل می‌کنند، شناسایی مسئولیت با پیچیدگی تعدد اسباب مواجه است.

کلیدواژگان: عامل تسریع‌کننده خسارت، مفهوم سبب، تلاقی اسباب، اثر زمان در تحقق نتیجه، تعدد اسباب

srahpeik@gmail.com

* استاد حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

hamidafkar1989@gmail.com

** کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی (نویسنده مسئول)

مقدمه

تحقق نتیجه، تحت تأثیر عوامل گوناگون در برهه‌ای از زمان قطعی است و زمان، ظرفی است که پدیده‌های حقوقی، ناچار به تحقق و استمرار در آن هستند. در برخی موارد، تحقق نتیجه، مانند تلف یا مرگ، قطعی است ولی دخالت عوامل خارجی، باعث سرعت گرفتن تحقق این نتایج می‌شوند. ممکن است این عوامل به‌عنوان یک سبب مستقل، این تسریع را ایجاد کنند یا به‌عنوان یک عامل، زمینه‌ای در کنار سایر عوامل، زمینه‌های سابق را فعلیت بخشیده و خسارت آینده را به زمان حال منتقل کنند. دخالت این عوامل، گاه به‌قدری پیچیده و دشوار است که تعیین علت حادثه، دادرس را با مشکل مواجه می‌سازد. نقش زمان در رخداد پدیده‌های حقوقی و تغییر میزان مسئولیت مسئولین، یک بحث قابل توجه و مهم است. انتساب خسارت به فعل مرتکب، مستلزم تحقق ارکان مسئولیت و برقراری رابطه سببیت است که برقراری این رابطه، بی‌نیاز از اسناد عرفی نتیجه به فعل نیست و زمان به‌تنهایی نمی‌تواند این رابطه را ایجاد یا منتفی سازد یا یک عامل در تسریع خسارت باشد. بنابراین نقش زمان در این رابطه یک عامل فرعی برای شرح نتیجه است. ایجاد نتیجه در زمانی مقدم بر زمان حصول قطعی آن، با دخالت عوامل دیگر، خواه مستقلاً و خواه با تحریک عوامل زمینه‌ای، تسریع در تحقق خسارت تلقی می‌شود. طبق این تعریف، سبب تسریع‌کننده ممکن است به‌طور مستقل و بدون دخالت عوامل دیگر، نقش خود را بر جای گذارد یا تحقق خسارت، مستلزم ترکیب و نقش آفرینی چند عامل باشد. بحث تسریع خسارت در منابع فقهی و حقوقی به‌طور مستقیم، بررسی نشده است، لیکن در میان نظریات، آثار و کتب فقهی و حقوقی، برخی از فقها و حقوق‌دانان، مثال‌ها و مسائلی طرح شده است که ارتباطی سطحی و گاه ناگسستگی با این موضوع دارد. در یک فرض گفته می‌شود، با تحقق قطعی نتیجه در فرض عدم تأثیر سبب تسریع‌کننده، مسئولیت این عامل منتفی است و مسئول دانستن این اسباب، خلاف عدالت تلقی می‌شود. اما این نظریات با قواعد حقوقی و مبانی مسئولیت مدنی سازگاری ندارد و مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی را که جبران خسارت است، محقق نمی‌کند. با توجه به توضیحات بیان‌شده، پاسخ به این سؤال، مهم است که اگر ثابت شود، نتیجه یا خسارت در هر حال محقق خواهد شد، آیا سببی که آن را در زمان مقدم و سریع‌تر از زمان خسارت قطعی حادث می‌کند مسئول است یا خیر و میزان این مسئولیت به چه میزان است؟ لذا بررسی و تحلیل مسئله، نیاز به تأمل جدی دارد. این موضوع در چند مبحث بررسی خواهد شد و ابتدا مفاهیم موردنیاز جهت تبیین موضوع، مطرح می‌شود تا ضمن تفکیک مفهوم سبب، نقش زمان در رابطه سببیت و تلاقی اسباب که منجر به تقدم خسارت می‌شوند، زمینه لازم برای بحث درباره

مسئولیت‌پذیری این عوامل و میزان مسئولیت آن‌ها فراهم آید.

۱. مفهوم سبب

تعیین و تبیین مفهوم صحیح از سبب، مستلزم ارائه تعریف جامع از این پدیده است. از نظر لغوی واژه سبب در معانی متفاوتی از جمله علت، جهت، طریق، وسیله، دستاویز، پیوند و علاقه خویشی به کاررفته است. (عمید، ۱۳۸۹: ۶۲۸). بعضی از فقها در تعریف سبب گفته‌اند: «چیزی است که باعث تلف نمی‌شود، مگر با آن چیز دیگری باشد». (علامه حلی، ۱۴۱۰: ۲۲۶) یا «هر چیزی است که تلف در معیت آن حاصل می‌شود، به نحوی که اگر نبود، از علت، تأثیری حاصل نمی‌شد». (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۶۵۱). در علم حقوق، عاملی به‌عنوان سبب شناخته می‌شود که به‌طور مستقیم، مباشر تلف کردن مال نیست ولی مقدمه تلف را فراهم می‌آورد. (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۱۲). در خصوص تعریف سبب، نظر واحدی وجود ندارد اما به‌طور کلی می‌توان گفت که سبب، عاملی است که از عدم آن، عدم وقوع تلف و جنایت لازم می‌آید لکن باوجود آن، وجود تلف و جنایت لازم نمی‌آید. بنابراین اگرچه آن عامل، علت نتیجه نیست اما مؤثر در وقوع آن است و با آن ملازمه دارد مانند کندن چاه در راه مردم، ریختن چیزی که موجب لغزش عابران در مسیر می‌گردد، گذاشتن سنگ یا شیء بزرگ در راه، آلوده کردن غذا یا آب مجنی‌علیه به سم. همچنین تعیین مفهوم سبب، ضابطه مطلق ندارد و رابطه سببیت، رابطه سیال و درعین حال عرفی است و دادگاه باید با معیار متعارف سبب یا اسباب ورود زیان را تشخیص دهد. (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۷۲-قاسم‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۱) و اگرچه مفهوم شرط و سبب تشابه و قرابت بسیاری با یکدیگر دارند، تشخیص این مفاهیم از دشواری‌هایی است که دادگاه‌ها با آن مواجه هستند و نیاز به تأمل کافی دارد.

۲. نقش عوامل در ایجاد نتیجه از حیث زمان

تعیین زمان تحقق پدیده‌های حقوقی در عالم خارج، امری مشکل و تقریباً غیرممکن است ولی تحقق برخی نتایج و پدیده‌های حقوقی در زمان مقرر، امری بدیهی و غیرقابل انکار است. به‌عنوان مثال، مرگ انسان مبتلا به بیماری کشنده یا خرابی ساختمان معیوب و دارای نقص، نهایتاً در بازه‌ای از زمان به وقوع خواهد پیوست. به عبارت دیگر، عوامل به نحوی در کنار هم ایفای نقش می‌کنند که نتیجه در بازه موردنظر تحقق می‌یابد اما گاهی روند پیدایش نتیجه، دور از شکل مورد انتظار و سریع‌تر از زمان مقرر است، به گونه‌ای که به عامل ایجاد این نتیجه در زمان زودتر،

به‌عنوان سبب ایجاد نتیجه نگریسته می‌شود. این عامل که تحقق نتیجه را خواه به یک‌باره یا به تدریج، زودتر از موعد مقرر عرفی خود رقم می‌زند، سبب تسریع‌کننده تلقی می‌شود و در عمل، حالات مختلفی برای آن قابل تصور است. سبب تسریع‌کننده می‌تواند به‌طور مستقل یا در عرض عوامل دیگر، تحقق نتیجه را در زمانی مقدم بر زمان مورد انتظار فراهم سازد.

۲-۱. تسریع ابتدایی

در این فرض، سبب تسریع‌کننده، به‌طور مستقل و بدون دخالت عوامل دیگر، ایفای نقش می‌کند و اثر خود را بر جای می‌گذارد. به‌عنوان مثال، می‌توان تخریب منزلی را که قطعاً خراب خواهد شد، توسط عامل انسانی و بدون دخالت عاملی دیگر، سبب مستقل و ابتدایی دانست. اگرچه تحقق خسارت در همه حالات، امری احتمالی و توأم با تردید است ولی می‌توان در این موارد معیار نوعی و عرفی را برای تحقق قطعی نتیجه در موعدی که انتظار می‌رود، در نظر گرفت.

۲-۲. تسریع زمینه‌ای

گاهی تحقق خسارت، مستلزم ترکیب چند عامل و نقش آفرینی هر یک از آنهاست. در بحث تسریع زمینه‌ای نیز تحقق نتیجه، قطعی و غیرقابل انکار است ولی عامل زمینه‌ای در کنار سایر عوامل، نتیجه را زودتر از موعد مقرر فراهم می‌آورد. به‌عنوان مثال، بیماری، شخصی را که به‌طور معمول در اثر تصادف، قادر به حیات برای مدت یک سال است در مدت یک ماه یا یک هفته از پای درآورد یا گرمی بیش از حد هوا، محصولی را که اگرچه در اثر عدم مراقبت کافی ظرف یک ماه از بین می‌رود، ظرف یک هفته نابود سازد. به عبارت دیگر، اگرچه قطعاً خسارت و نتیجه محقق می‌شود، ولی برخلاف انتظار، عوامل دیگری با نقش آفرینی خود در کنار سایر عوامل و شرایط موجود، موجب تسریع در تحقق خسارت می‌شوند.

۳. اثر زمان در تحقق مسئولیت

زمان، ظرفی است که پدیده‌های حقوقی حتی در اعتباری‌ترین جنبه‌های خود، ناچار به تحقق و استمرار در آن هستند. به عبارت دیگر، حدوث پدیده‌های حقوقی در بازه‌ای از زمان، خواه در زمانی که انتظار آن می‌رود و خواه زودتر یا دیرتر از این موعد، حتمی است. گاه دخالت اسباب متنوع در حدوث و استمرار پدیده‌های حقوقی اعم از واقعه یا عمل حقوقی می‌تواند مسائل

پیچیده‌ای را برانگیزد که راه‌حل آن‌ها قطعی و به‌دور از اختلاف نیست. خسارات بدنی و مالی، گاه فوری و گاه با گذشت زمان از وقوع فعل و با فاصله از عمل زیان‌بار رخ می‌دهند که در این بین، احتمال تشدید یا تسریع خسارت توسط عوامل دیگر وجود دارد و در پاره‌ای از موارد، دخالت عوامل دیگر، موجب قطع رابطه استناد فعل اولیه با نتیجه می‌شود. گاهی حدوث خسارت، قطعی است ولی دخالت عامل خارجی سبب سرعت گرفتن این نتایج می‌شود. در این فرض، علت خسارت یا صدمه، زمینه‌های قبلی زیان‌دیده یا اوضاع و احوال سابق است اما دخالت عامل خارجی، این زمینه‌ها را زودتر به فعلیت می‌رساند و مرگ آینده را به زمان حال تغییر می‌دهد. (خدابخشی، ۱۳۸۹: ۹۵). اگرچه گذشت زمان، یکی از عوامل تعیین‌کننده نتیجه و میزان آن است اما به‌تنهایی نمی‌تواند رابطه سببیتی را که بین فعل و نتیجه وجود دارد منتفی کرده یا برقرار سازد و آنچه در موضوع مسئولیت مورد توجه است، قابلیت استناد عرفی نتیجه به فعل است. رابطه سببیت بین فعل و نتیجه در طول زمان شکل می‌گیرد و این رابطه را نمی‌توان به‌عنوان عنصری وابسته به زمان تلقی کرد. بنابراین، نقش زمان، یک عامل فرعی برای شرح نتیجه است. در بحث تسریع، ممکن است رابطه سببیت و ترتب مسئولیت بر شخصی که با اقدام خود، نیروی بالقوه درونی خود را به حرکت درآورده و با شتاب‌دادن به سیر متعارف آن، خسارت را در زمانی زودتر باعث می‌شود با تردید مواجه شود. در این مورد اگر پذیرفته شود که زوال حق در زمان نامعلوم، قطعی باشد، باز هم دلیلی وجود ندارد که در صورت عدم دخالت عامل تسریع‌کننده، خسارت مورد انتظار به‌طور قطع و با کیفیت حادث، ایجاد خواهد شد ولو تحقق آن به‌احتمال قریب به قطع، حتمی باشد. به عبارت دیگر، خسارت قطعی‌الوقوع است اما دلیلی نیست که اگر عامل تسریع‌کننده، نتیجه را رقم نمی‌زد، این نتیجه دقیقاً در زمان معین موردنظر و با کیفیت محقق شده، به وقوع خواهد پیوست. بنابراین زوال حق در زمان مقدم، موجب مسئولیت است و نمی‌توان با تکیه بر تحقق قطعی آن در آینده، آثار مسئولیت را رفع کرد.

۴. ایجاد حادثه در زمان مقدم بر زمان نتیجه

حدوث نتیجه‌هایی مانند مرگ یا تحقق برخی خسارات حسب عادت، قطعی به نظر می‌رسد ولی درعین حال ممکن است این نتایج با بروز عواملی تسریع شود، به‌نحوی که مرگ انسان یا خسارت زیان‌دیده، زودتر از موعد مقرر حادث شود. در چنین فرضی آیا این عوامل را می‌توان در حوزه مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت دانست و اگر ثابت شود نتیجه یا خسارت در هر حال محقق خواهد شد آیا سببی که آن را در زمان مقدم یا سریع‌تر از زمان خسارت قطعی حادث می‌کند،

مسئول است؟ به عنوان مثال، شخصی که به بیماری ایدز مبتلا شده و حسب نظر پزشک، مرگ او در طول چند ماه آتی قطعی است، در اثر دخالت عامل دیگر و زودتر از موعد مقرر فوت کند. در این فرض، آیا عامل ثانوی را که مرگ وی را رقم زده است می‌توان مسئول جبران کامل خسارت دانست؟ برای درک بهتر موضوع، برخی نظریات نویسندگان در ذیل بررسی می‌شود.

۴-۱. نظر عدم مسئولیت عامل زوال حق در زمان مقدم

برخی نویسندگان معتقدند که: «برای اینکه حادثه‌ای سبب محسوب شود باید آن حادثه در زمره شرایط ضروری تحقق ضرر باشد یعنی احراز شود که بدون آن، ضرر واقع نمی‌شود. پس اگر ثابت شود که در صورت مواظبت کامل مقصر نیز ضرر وارد می‌شود یا هیچ امین و متصدی مواظبی نمی‌توانست از ضرر جلوگیری کند معلوم می‌شود که تقصیر خوانده، سبب ورود خسارت نبوده است چرا که رابطه میان فعل او و ضرر وجود ندارد. به عنوان مثال، اگر هواپیمایی که پیش از پرواز بازرسی نشده است سقوط کند ولی کاوش‌ها نشان دهد که عیب مکانیکی آن با بازرسی نیز معلوم نمی‌شده است، تقصیر خوانده را نباید سبب حادثه شمرد. همچنین اگر مالکی برای جلوگیری از سرایت آتش، خانه همسایه را خراب کند ولی ثابت شود که آن خانه در حال منهدم می‌شده است همسایه را نباید سبب خرابی خانه و مسئول جبران خسارت دانست». (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۴۵۱). نویسنده دیگری نیز اشاره دارد که «مفهوم سببیت، تخلف از انجام تعهد نسبت به خسارت وارده، در صورتی محقق می‌شود که معلوم باشد اگر تعهد اجرا می‌شد، خسارت وارد نمی‌شد. بنابراین اگر معلوم شود که حتی در صورت اجرای تعهد، عامل خارج از اراده، سبب خسارت می‌شد، متعهد متخلف را نمی‌توان مسئول دانست، مانند اینکه مورد تعهد، ساختن ساختمانی بوده که متعهد در انجام تعهد تخلف کرده و این تخلف، سبب خرابی ساختمان گردد اما مسلم شود که اگر متعهد مبادرت به انجام تعهد و تعمیر ساختمان هم می‌نمود، باز هم پس از جریان سیلی که واقع شده خراب می‌گردید. در این فرض اگرچه خرابی نتیجه عدم انجام تعهد بوده اما ورود خسارت در صورت انجام تعهد نیز در هر صورت چند روز بعد واقع می‌گردید. پس خرابی ساختمان را نهایتاً نمی‌توان به تخلف از انجام تعهد نسبت داد. همچنین اگر مورد تعهد، آبیاری محصولی بوده که در اثر تخلف متعهد از انجام تعهد، بارش تگرگ در چند روز پیش از رسیدن محصول آن را از بین می‌برده است، سببیت تخلف متعهد را نسبت به معدوم شدن محصول نمی‌توان پذیرفت زیرا بارش تگرگ سبب نهایی از بین رفتن محصول بود و تلف محصول حتی در صورت انجام تعهد به این عامل طبیعی نسبت داده می‌شد». (شهیدی، ۱۳۸۲: ۷۵).

۴-۲. نقد نظریه

پدیده‌های متعددی در دنیا اتفاق می‌افتد و تحول آن‌ها را در عالم مادی می‌توان مشاهده کرد. تمام موجودات مادی روزی از بین خواهند رفت و این امر در مورد هر انسانی نیز صادق است. بنابراین ظرف زمان، به‌عنوان حد فاصل استمرار موجودیت پدیده محسوب می‌شود و ابتدا و انتهای آن را نشان می‌دهد. حقوق وابسته به شخص نیز به‌حکم متغیر بودن اصل و مبنای آن، به‌طور تبعی، دچار انحلال خواهد شد. بدین ترتیب، وقتی مال معینی تخریب‌شدنی است حق مالکیت آن نیز در زمان مذکور خاتمه می‌یابد. از عدم استمرار حقوق و زوال حتمی آن‌ها نباید استفاده کرد که عنصر ضرر قطعی است و دخالت اسباب دیگر، تأثیری در جریان این قطعیت ندارد. (خدابخشی، ۱۳۸۹: ۹۶). هر عاملی که با دخالت خود باعث سرعت یا کندی در زوال حق شده، مسئول است و به بهانه اتفاق قطعی آن نباید فریفته حذف رابطه سببیت آن شد. چنین نتیجه‌ای با توجه به اصول مسئولیت، بدیهی می‌نماید و تردید در آن به معنای نادیده گرفتن قواعد عمومی مسئولیت است زیرا حتی اگر پذیرفته شود که زوال حق در زمان متأخر، قطعی باشد، هیچ دلیلی وجود ندارد که در صورت عدم دخالت عنصر تسریع‌کننده، باز هم به‌طور قطع، نتیجه‌ای مشابه نتیجه حادث شده ایجاد شود. در فرضی که فرایند تحقق نتیجه، در حال شکل‌گیری است و رخداد آن در آینده‌ای نزدیک مورد انتظار است اما عامل دیگر با دخالت، رابطه نتیجه با عامل اولیه را قطع می‌نماید و نتیجه را زودتر از موعد ایجاد کرده یا با تحریک دیگر عوامل، موجب تسریع شکل‌گیری نتیجه می‌شود، مسئولیت متوجه وی خواهد بود همان‌طور که در مثال مبتلا شدن به ویروس ایدز بیان شد.

بنابراین نفس زوال حق در زمان مقدم، مصداق مسئولیت است و نمی‌توان با تکیه بر تحقق حتمی آن در آینده‌ای معلوم یا نامعلوم، آثار مسئولیت را نفی کرد. پذیرش عدم مسئولیت عامل تسریع‌کننده، مستلزم فرض جبران‌نشدن خسارت یا واگذاری جبران آن بر عهده عوامل دیگری است که باعث ایجاد خسارت در آینده خواهد شد. در فرض اول، خسارت ایجاد شده‌ای بدون جبران مانده که با روح مسئولیت مدنی که جبران خسارت است، در تعارض بوده و در فرض قراردادادن بار مسئولیت بر دوش سایر عوامل، این مشکل وجود دارد که توسط این عوامل در زمان فعلی، خسارتی حادث نشده تا مسئول جبران آن باشند و در واقع، در این فرض، کسی که خسارتی ایجاد نکرده، مسئول تلقی می‌شود که منطقی و عادلانه نیست. همچنین تشخیص عواملی که ایجادکننده خسارت احتمالی و در زمان دورتر هستند، به‌عنوان مسئول حادثه، امری پیچیده و در پاره‌ای موارد، غیرممکن است. علاوه بر آن، مجاز تلقی کردن ایراد خسارت یا صدمه به اموال و افراد در مواردی که ضرر قطعاً محقق می‌شود موجب بی‌نظمی و هرج و مرج جوامع می‌شود. بدین سان

نظرات ارائه شده قابل انتقاد است. چگونه می‌توان تخریب اتومبیل شخصی را که در زمان حاضر و با دخالت قطعی شخص دیگر حادث می‌شود، با تمسک به خسارت قطعی آن در چند روز یا ساعت دیگر، موجب مسئولیت ندانست. پابندی به عدم مسئولیت به این معنی که تخریب مال مذکور جرم نباشد، یا قتل انسان قابل قصاص نباشد یا سقوط هواپیمایی که به دلیل انفجار بمب ساقط شده، هرچند در چند ساعت آینده نیز حتماً منفجر می‌شود، قابل تعقیب تلقی نشود، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. جالب است یکی از نویسندگان با تلقی زمان به عنوان عنصر فرعی، نظری ارائه داده است. ایشان معتقدند «مسئله رابطه مرگ با فعل جرح که به وسیله قاتل ارتکاب می‌یابد، از لحاظ تعیین زمان و مکان وقوع جرم و از جهات مربوط دیگر، در حقوق جزا قابل طرح است. در صورتی که بین ارتکاب جرح و مرگ مجروح به علت جرح از حیث زمان و مکان فاصله باشد، زمان و مکان وقوع قتل، کدام است؟ زمان و مکانی که فعل جرح، منتهی به مرگ مجروح در آن شده یا زمان و مکانی که مرگ مجروح در آن واقع شده است؟ به لحاظ تحلیلی باید زمان جرم قتل را زمانی دانست که فعل جرح در آن واقع گردیده است زیرا مرگ مجروح، نقشی در تحقق عنوان قتل، جز توصیف فعل جرح به عنوان قتل ندارد. پس در واقع، قتل همان فعل جرح منتهی به فوت است که زمان و مکان آن باید در زمان و مکان قتل محسوب گردد» (شهیدی، ۱۳۷۶: ۸۰؛ خدابخشی، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

چگونه در موردی که هنوز قتلی رخ نداده یا خسارت قطعی حاصل نشده، مسئولیت بر عهده عواملی که عمل آن‌ها در آینده موجب خسارت خواهد شد، مترتب شود ولی دخالت قطعی عوامل تسریع کننده که موجب تخریب مال یا تسریع در صدمه و فعلیت ضرر در زمان حاضر است، مصداق مسئولیت نباشد؟ بنابراین با توجه به دلایل گفته شده، این نظریه قابل نقد به نظر می‌رسد.

۵. مسئولیت سبب تسریع کننده در تلاقی با سایر اسباب

به طور کلی احراز رابطه سببیت همواره پیچیده و با مشکلاتی روبه‌روست. در حالتی که یک سبب وجود دارد با توجه به قواعد حقوقی، حل و فصل قضیه سهل می‌گردد اما در حالتی که چند سبب در تحقق خسارت نقش دارند، پیچیدگی بیشتری وجود دارد. (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۶۹). یکی از این پیچیدگی‌ها تعیین عامل مسئول و میزان مسئولیت آن است که در این رابطه به طور مبسوط در ذیل بحث می‌شود.

۱-۵. مسئولیت عوامل مستقل

شکل‌گیری نتیجه در پی اسباب متعدد، شقوق زیاد و غیرقابل محصور بودن دارد. گاهی نتیجه با

گذراندن بازه زمانی متعارف و در سرانجام مقرر خود به گونه‌ای مورد انتظار به بار می‌آید و گاهی عوامل پیش‌بینی شده یا غیرقابل پیش‌بینی، نتیجه را برخلاف میل شدیدتر و گاهی سریع‌تر از روند قابل انتظار محقق می‌کند. عوامل تسریع کننده، همان اسباب همیشگی است که ممکن است نسبت به یک پدیده، زیان را به طور قابل پیش‌بینی ایجاد کند به گونه‌ای که هیچ تعجیبی به علت خسارتِ حادث، ایجاد نشود و گاهی نسبت به یک پدیده به خاطر دخالت ناگهانی و بیجا، خسارت را سریع‌تر رقم می‌زند. این عوامل اگر به طور مستقل عمل کرده و در شکل‌گیری نتیجه از اسباب دیگر یاری نگیرد خود به تنهایی مسئولیت ایجاد نتیجه را به دوش خواهد کشید و در این باره تعیین مسئول و میزان مسئولیت با پیچیدگی‌های تعدد اسباب روبه‌رو نیست زیرا دخالت این عامل و تأثیر آن، رابطه سببیت و اسناد را، با سایر اسباب قطع کرده و خسارت را منتسب به خود می‌کند. در این خصوص، مستفاد از ماده ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲^۱ می‌توان بیان کرد که اگر خسارت منتسب به یک سبب باشد، سببی که خسارت مستند به اوست ضامن است. البته این حکم که در مورد تصادم بیان شده است، جزو قواعد کلی و قابل پذیرش در سایر مباحث است.

۵-۲. مسئولیت عوامل زمینه‌ای

در صورتی که نتیجه مستند به فعل واحد باشد، تعیین مسئول جبران خسارت با دشواری همراه نیست اما در فرض دخالت عوامل گوناگون، تعیین مقصر و سهم او با پیچیدگی بیشتری همراه است. در همین راستا ممکن است خسارت با دخالت یک سبب خارجی تحقق یابد و گاه علل طبیعی و موجود در خود زیان‌دیده و حتی بعضاً عمل و تقصیر خود وی نتیجه را سریع‌تر حادث می‌نماید. (خدابخشی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). همچنین ایجاد خسارت، تحت تأثیر قوه قاهره، اگرچه نادر، ولی قابل تصور است. در صورت تحقق خسارت در نتیجه چند عامل که فعل ثالثی نتیجه را زودتر ایجاد نماید، قانون مسئولیت مدنی، راه‌حل قاطعی ارائه نمی‌کند. نویسندگان حقوقی در مورد میزان مسئولیت اسباب مداخله‌کننده توافق کامل ندارند. پاره‌ای از آنان، مسئولیت تضامنی بین اسباب را ترجیح داده‌اند. (فائز مقامی، ۱۳۸۵: ۳۰۶) و بعضی دیگر تقسیم مسئولیت را به نسبت سهمی که هر یک از آنان در ایجاد خسارت داشته‌اند با مبانی حقوق ایران سازگارتر پنداشته‌اند. (صفایی، ۱۳۵۲: ۵۶۴ و ۵۶۵؛ امامی، ۱۳۹۰: ۳۸۴ و ۳۸۵). در داوری نخستین، می‌توان گفت، حکم به تضامن به سود زیان‌دیده است و مانع از این می‌شود که تنگ‌دستی یکی از مسئولان، بخشی از ضرر را جبران نشده

۱. ماده ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی: «در موارد برخورد، هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به او است، ضمان ثابت است.»

بگذارد، لیکن مسئولیت تضامنی تنها در مقام ایفای دین است و خلاف اصل تلقی می‌شود. البته در فرض تضامن نیز اصل تعهد، متعدد نمی‌شود و جبران خسارت در نهایت بر عهده مدیون اصلی قرار می‌گیرد. (ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۷۲ و ۷۳). توزیع خسارت، به‌ویژه اگر به تساوی باشد راه‌حل ساده‌تر و عملی‌تری است که با منطقی قوی نیز همراه است و پیش‌بینی می‌شود که جز در موارد خاص، توفیق بیشتری از حکم تضامن بیابد. (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۴۴۸).

اما اگر توزیع مسئولیت پذیرفته شود، این سؤال مطرح می‌شود که مسئولیت مسئولین متعدد به چه میزان است؟

الف. توزیع مساوی مسئولیت

عده‌ای از فقها در فرضی که چند نفر با هم نتیجه واحدی را ایجاد می‌کنند حکم به تساوی مسئولیت داده‌اند هر چند میزان قوت اسباب و نحوه دخالت آن‌ها متفاوت باشد. (خوئی، ۱۳۹۱: ۲۵۵). به نظر برخی نویسندگان نیز در حقوق ایران با توجه به قوانین مختلف می‌توان گفت که قاعده عمومی، تقسیم مسئولیت به‌طور مساوی است. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۱: ۲۲۶). به‌موجب ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آن‌ها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان، مسئول یک‌سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است». بنابراین در این قانون نیز مانند ماده ۳۶۵ قانون سابق،^۱ مسئولیت به نحو تساوی تقسیم می‌شود. در این خصوص، رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ نیز قابل توجه است: «برحسب مستفاد از ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی هرگاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه، منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آن‌ها شود، مسئولیت هریک از رانندگان در صورت تقصیر - به هر میزان که باشد - به نحو تساوی خواهد بود. بنابراین رأی شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور که مطابق این نظر صادر شده، به اکثریت آراء، موافق قانون تشخیص و تأیید می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و کلیه دادگاه‌ها

۱. ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰: «هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به‌طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود».

لازم‌الاتباع است»^۱. باین حال، توزیع مسئولیت به نحو تساوی، اگرچه با امتیازاتی همراه است که

۱. گردش کار این رأی بدین صورت است: به دلالت اوراق پرونده کلاسه ۲۶۵۹/۸۲ شعبه پنجم دیوان عالی کشور (تشخیص) خودرو سواری پیکان به رانندگی آقای خلیل نصیری، هنگام حرکت از تبریز به اهر، با وانت مزدا به رانندگی آقای قادر احتشام زین کش تصادف نموده است که در اثر این سانحه، راننده وانت مزدا و یک نفر دیگر از سرنشینان وسایط نقلیه فوت و تعدادی دیگر از سرنشینان آن‌ها مجروح شده‌اند. کارشناسان تصادفات بدون تصریح به علت تامه تصادف، راننده پیکان سواری، آقای خلیل نصیری را ۸۰٪ و راننده وانت مزدا، مرحوم قادر احتشام زین کش را ۲۰٪ مقصر تشخیص داده‌اند و دادگاه عمومی جزایی رسیدگی کننده، بزهکاری آقای خلیل نصیری را در قتل غیرعمدی حسن شیرین زاده، اقدم باباخان و قادر احتشام در ایراد صدمه غیر عمدی نسبت به هفت نفر دیگر، مستنداً به نظرات کارشناسی، شکایت اولیای دم و مصدومین حادثه و گواهی‌های پزشکی و اقراریه موجود در پرونده احراز و به نسبت تقصیر وی در وقوع تصادف، (۸۰٪) او را به پرداخت سه فقره هشتادصدم دیه کامل یک مرد مسلمان در حق اولیای دم هریک از مقتولان و هشتادصدم دیه جراحات وارده در حق مجروحان دیگر و تحمل حبس از جهت عدم رعایت نظامات دولتی محکوم نموده است. شعبه نهم تجدیدنظر استان در مقام رسیدگی به اعتراض آقای قاضی اجرای احکام، طی دادنامه ۱۱۷-۱۳۸۱/۲/۸-۱۳۸۱ چنین رأی داده: (درخصوص تذکر مورخه ۱۳۸۰/۶/۲۷ آقای قاضی اجرای احکام نسبت به دادنامه شماره ۳۲۲ و ۳۲۳ مورخه ۱۳۸۰/۴/۹ صادره از شعبه سی‌هشتم دادگاه عمومی شهرستان تبریز در پرونده‌های کلاسه ۷۸/۳۸ و ۲۲۱۹ که طی آن آقای خلیل نصیری فرزند سرخای به اتهام بی‌احتیاطی در تصادف و تصادم رانندگی مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۴ منجر به قتل و ایراد صدمات غیرعمدی به شکات، به شرح مندرج در دادنامه‌های بدوی به تحمل هجده ماه حبس و پرداخت ۸۰٪ دیات متعلقه به لحاظ اینکه هیئت کارشناسان وی را در به‌وقوع پیوستن حادثه ۸۰٪ مقصر تشخیص داده‌اند، محکوم شده و آقای قاضی اجرای احکام، حسب تذکر فوق‌الاشعار به لحاظ عدم رعایت قاعده تنصیف در پرداخت دیه (موضوع ماده ۳۳۷ ق.م.ا) وقوع اشتباه را متذکر شده که مورد قبول محکمه محترم صادرکننده رأی قرار نگرفته است. دادگاه با بررسی محتویات پرونده به‌ویژه کیفیت تصادف که به‌صورت تصادم در وسیله نقلیه نبوده، با قبول تذکرات قاضی محترم اجرای احکام، به استناد ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ضمن تعدیل محکومیت آقای خلیل نصیری در پرداخت دیات مقرر در دادنامه بدوی از هشتاددرصد به پنجاهدرصد (ماده ۳۳۷) قانون مجازات اسلامی، دادنامه صادره را تأیید می‌نماید. این رأی قطعی است).

شعبه پنجم تشخیص دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی به تجدیدنظرخواهی فوق‌العاده نسبت به دادنامه ۱۱۷-۸/۱۳۸۱/۲ شعبه نهم تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی، طی دادنامه ۱۱۲۰-۱۳۸۲/۷/۲۸ به شرح ذیل اتخاذ تصمیم نموده است: ((اشتباه معنونه و اعلامی از ناحیه رئیس کل دادگستری استان آذربایجان شرقی در دادنامه فوق‌الذکر وارد است هم از جنبه تأیید دیه و ارش معینه در حق خانم حبیبه احمدپور و هم از نظر تعدیل محکومیت محکوم علیه از ۸۰٪ به ۵۰٪ دیه زیرا استناد به ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی زمانی صحیح است که امکان تعیین درصد تقصیر نباشد و مستند محکومیت فقط استناد عمل به هر دو نفر باشد، ولی در مانحن‌فیه، کارشناس دقیقاً میزان تقصیر را استخراج و مشخص کرده است. علی‌هذا دادنامه فوق‌الذکر نقض و محکوم علیه را به دیات و ارش‌های تعیین شده در دادنامه بدوی و درمورد خانم حبیبه احمدپور به نصف دیات و ارش مذکور محکوم می‌نماید. این حکم قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است)).

طبق محتویات پرونده کلاسه ۷۲۶/۲۳ شعبه بیست‌وهفتم دیوان عالی کشور، آقایان بابا احمدزاده و اباذر حسین زاده، در اثر بی‌احتیاطی در امر رانندگی وسیله نقلیه موتوری، هر کدام به ترتیب با ۸۵٪ و ۱۵٪ تقصیر، مرتکب قتل غیرعمدی و صدمه غیرعمدی شده‌اند. موضوع در شعبه اول دادگاه عمومی هشتروند مطرح و هر کدام از آنان طی دادنامه ۷۷/۱۰-۲۴۱۹ به نسبت تقصیرشان به پرداخت دیه و ارش محکوم شده‌اند و این رأی در شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی طی دادنامه ۶۸-۱۳۷۸/۱/۲۲ مورد تأیید قرار گرفته است. از این رأی در اجرای ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، تجدیدنظرخواهی فوق‌العاده به عمل آمده که شعبه بیست‌وهفتم دیوان عالی کشور به موجب دادنامه ۱۵۹-۱۳۷۹/۵/۱۸ به شرح ذیل اتخاذ تصمیم نموده‌اند: با توجه به محتویات پرونده و با عنایت به فتوایی استفتاء از امام خمینی قدس سره در این زمینه که ضمیمه می‌گردد، جواباً مرقوم گردیده، میزان صدق استناد عرفی به هر دو طرف است (به هر نسبت که به هر کدام باشد) دیه تنصیف می‌گردد و ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی هم همین است. بنابراین اعتراض و ایراد

از جمله آن تسهیل توزیع مسئولیت است، اما پذیرش آن به عنوان قاعده، خلاف است.

ب. توزیع مسئولیت به نسبت تأثیر

بر اساس این نظریه، هریک از اسباب به میزان تأثیری که در تحقق زیان دارد مسئول است. (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۰ و ۱۱۱- ره‌پیک، ۱۳۸۸: ۷۳؛ تقی‌زاده و هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۰۹). به موجب ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲: «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آن‌ها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه‌عمدی، نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض، نصف دیه هر کدام به‌وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد، عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی‌علیه یا اولیای دم او بپردازند». با توجه به این ماده، فرض تساوی مسئولیت در صورت مشخص نبودن تأثیر هر کدام از اسباب است اما اگر تأثیر اسباب معین شود، با توجه به ماده ۵۲۶ همین قانون، هریک از اسباب به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. به موجب این ماده: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به‌طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت، هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت، بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب، ضامن است». علاوه بر این مواد، ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «... هرگاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند، متضامناً مسئول جبران خسارات وارده هستند. در این مورد، میزان مسئولیت هریک از آنان با توجه به نحوه مداخله هریک، از طرف دادگاه تعیین خواهد شد». برخی از حقوق‌دانان در این باره معتقدند، از آنجا که تقسیم مسئولیت بر اساس میزان مداخله و تأثیر عمل عادلانه و منطقی به نظر می‌رسد، می‌توان برای

قاضی محترم اجرای احکام هشترود به رأی صادره از دادگاه محترم شعبه اول هشترود (۲۴۱۹-۱۶/۱۰/۱۳۷۷) که در شعبه دوم دادگاه محترم تجدیدنظر استان مورد تأیید قرار گرفته (۶۸-۱/۲۲/۱۳۷۸) وارد تشخیص، لذا طبق تبصره ۴ ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸ رأی تجدیدنظرخواسته نقض و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌گردد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در اثر معلوم‌نشدن علت تامه تصادف و در نتیجه استناد نتایج حاصله از سانحه رانندگی به رانندگان هر دو وسیله نقلیه، شعبه پنجم تشخیص دیوان عالی کشور به نسبت تعیین شده در نظریه کارشناسان و شعبه بیست‌وهفتم دیوان عالی کشور به میزان صدق استناد عرفی به هر دو طرف (تصفیف دیه) به محکومیت متهمان اظهار عقیده فرموده‌اند و بالنتیجه به ترتیب مذکور از ماده ۳۲۷ قانون مجازات اسلامی استنباط مختلف صورت پذیرفته است. لذا به تجویز ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، طرح موضوع برای صدور رأی وحدت رویه قضایی درخواست شده است.

آن محلی قاتل شد بدین معنی که اگر یکی از طرفین تفاوت تأثیر هریک از اسباب را ثابت نماید، دادرس باید به آن ترتیب اثر دهد. (صفایی و رحیمی، همان).

دادرس در تعیین میزان مداخله و تأثیر هریک از اسباب در تحقق نتیجه می‌تواند از کارشناس و سایر امارات موجود بهره ببرد.

ج. توزیع مسئولیت به میزان تقصیر

تعیین میزان مسئولیت بر اساس دو مفهوم «تقصیر» و «تأثیر» دارای رابطه نزدیکی بوده و گاهی به جای هم در نظر گرفته می‌شوند اما این تشابه موجب وحدت معنایی نیست. تقسیم‌بندی خسارت بر اساس هر کدام اگرچه در اکثر اوقات مشابه است لیکن دارای آثار متفاوت است. گاهی تقصیر سبک است اما تأثیر فراوانی در نتیجه دارد و گاهی تقصیرات سنگین تأثیر بسزایی در تحقق نتیجه ندارند. این نظر در پاره‌ای از قوانین نیز دیده می‌شود. به موجب ماده ۱۶۵ قانون دریایی، مصوب ۱۳۴۳: «هرگاه که دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند، مسئولیت هریک از کشتی‌ها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سرزده است. باین حال، اگر تشخیص اهمیت تقصیر با استفاده از شواهد و قرائن ممکن نباشد و یا تقصیر طرفین به نظر یکسان برسد، طرفین به نسبت مساوی مسئول خواهند بود...». بر اساس این نظر، هریک از مسئولین که تقصیر بیشتری داشته باشد باید خسارت بیشتری پرداخت کند. در نقد این نظر می‌توان به نظریه ۷/۷۳۶ - ۱۳۸۴/۲/۱۱ - ج.ق. اشاره کرد که بیان می‌نماید: «راننده مقصر که در اثر تقصیر او حادثه به وقوع پیوسته، مثل موضوع ماده ۷۱۴ ق.م.ا. مسئول بوده و تحمل مجازات قانونی و مسئولیت حقوقی ناشی از عمل ارتكابی منجر به تصادف به عهده او است و درصد تقصیر هم مؤثر در مانحن‌فیه نیست. همچنان که در مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ از همان قانون که موضوع آن‌ها خسارت و دیه است، تقصیر مساوی یا متفاوت اثری ندارد. بنابراین شرکت بیمه در چارچوب قرارداد و با توجه به عدم تأثیر درصد تقصیر، مکلف به ایفای تعهد خود در پرداخت دیه و خسارت است و نمی‌تواند مدعی شود که به نسبت تقصیر در پرداخت دیه مسئول است نه بیشتر». در هر صورت اگرچه برای شناسایی سبب یا اسباب مسئول، تقصیر ضابطه مناسبی است ولی توزیع مسئولیت بر اساس درجه تقصیر استثنای قابل انتقاد است. (قاسم‌زاده: ۱۰۹).

د. نظریه قابل قبول

با توجه به ارائه نظریات و تحلیل آن‌ها به نظر می‌رسد غیر از موارد خاص که در آن‌ها بر

تضامنی بودن مسئولیت تصریح شده است، پذیرش مسئولیت نسبی بر اساس تأثیر اسباب، امری منطقی و عادلانه به نظر می‌رسد.^۱ در توجیه رأی وحدت رویه شماره ۷۱۷ نیز باید پذیرفت که در مواردی که میزان تأثیر اسباب مشخص نباشد باید به عنوان اماره از این رأی یاری گرفت. به عبارت دیگر در مرحله اثبات، این رأی نوعی اماره و برای خروج از بن بست است و در مرحله ثبوت با توجه به مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ کتاب دیات از قانون مجازات اسلامی باید هر عامل را بابت رفتار خود مسئول دانست.

نتیجه

تسریع خسارت در کتب فقهی - حقوقی و نظریات آنان عنوان مستقل ندارد و به صورت مختصر زیرمجموعه عنوان «رابطه سببیت» مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. تحلیل نظریات حقوق دانان نشان می‌دهد که عده‌ای قائل به تأمل جدی در این بحث هستند و اظهار می‌دارند برای اینکه حادثه‌ای سبب محسوب شود، باید در زمره شرایط ضروری تحقق زیان باشد یعنی احراز شود که بدون آن، ضرری به وجود نمی‌آید و تحقق مفهوم سببیت مستلزم این است که اگر تعهد اجرا می‌شد و عامل جدید دخالت نمی‌کرد، خسارت قطعی الوقوع نبود. بنابراین گرچه این حوادث، خسارت را زودتر موجب شده‌اند اما این تسریع موجب تعلق مسئولیت تامه خسارت بر عهده او نمی‌شود؛ علی‌الخصوص اینکه نتیجه در زمان تحقق غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل تصور و کاملاً در نتیجه عمل وی نبوده است. لیکن پذیرش این نظر مستلزم فرض عدم جبران خسارت یا واگذاری بار مسئولیت بر دوش عواملی است که به‌طور قطع ولو در زمان دورتر این نتیجه را ایجاد می‌کنند و عامل بالقوه حدوث نتیجه هستند. پذیرش فرض اول با توجه به روح مواد قانون مسئولیت مدنی که هدف از آن جبران خسارت است، قابل انتقاد است و در فرض دیگر نیز واگذاری مسئولیت بر عهده اسباب بالقوه و معافیت اسباب بالفعل با توجه به اینکه هنوز توسط این عوامل خسارتی ایجاد نشده، منطقی و قابل پذیرش نیست و نباید عاملی را که خسارتی ایجاد نکرده مسئول دانست و مسئول اصلی حادثه را رها کرد. از سوی دیگر، شناسایی عاملی که قرار است در آینده و به احتمال نزدیک به قطع، نتیجه‌ای را ایجاد کند، امری مشکل و برآورد میزان خساراتی که به بار خواهد آورد، غیرممکن است. اگرچه این انتقاد نیز وارد است که وقتی تأثیر

۱. کُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (سوره مدثر، آیه ۳۸) - وَلَا تَرَوُنَّ وَاظِرَةً أُولَىٰ عُرْسِكُمْ ذَاتَ عُرْسِكُمْ يُجْزَيْنَ أَتَمًّا (سوره انعام، آیه ۱۶۴) - همچنین آیات ۱۴۰ از سوره غافر و ۱۱۱ از سوره نحل و ۱۶۰ از سوره اعراف و ۲۷ از سوره یونس به همین مطلب اشاره دارد.

چندین عامل، موجب تسریع یا تشدید نتیجه شود، سهم دانستن عوامل دخالت کننده اولیه در مسئولیت و کاهش مسئولیت عامل تسریع کننده با عدالت و اصل پیش بینی ضرر، سازگارتر و امکان جبران خسارت زیان دیده را سهل تر می کند. لیکن قابلیت انتساب ضرر به فعل که از ارکان اساسی شکل گیری مسئولیت است مانع بوده و طبق مقررات و به موجب ضابطه کلی، اسباب تسریع کننده در صورت برقراری رابطه سببیت و انتساب عرفی ضرر به آن ها مسئول تلقی خواهند شد. توجه به مواد قانون مدنی و مسئولیت مدنی و مجازات اسلامی نیز مؤید این مطلب است؛ بخصوص که مقنن با تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مجدداً متعرض این موضوع شده است. رخداد نتایج غیر قابل پیش بینی که با دخالت اولیه عواملی دیگر روی داده است، موجب نمی شود این عوامل نیز در جبران بخشی از خسارت مسئول باشند مگر بتوان این عوامل را نیز در دایره عواملی تلقی کرد که خسارت عرفاً قابل انتساب به آن هاست تا عهده دار جبران بخشی از خسارت شوند یا با وحدت ملاک از ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی^۱ و توجه به شرایط و اوضاع و احوال قضیه، مسئولیت عامل مورد تخفیف قرار گیرد.

با توجه به مطالب بیان شده به نظر می رسد در صورتی که بین فعل و نتیجه، رابطه عرفی و نوعی برقرار باشد، مسئولیت برقرار و اسباب تسریع کننده از این قاعده مستثنا نیستند. به عبارت دیگر، با فرض منتهی شدن قطعی حادثه به خسارت، عمل کسی که آن را زودتر ایجاد می کند و عرفاً مسبب نتیجه تلقی می شود مسئولیت را در بر خواهد داشت و واگذاری مسئولیت به اسبابی که بالقوه نتیجه را رقم خواهند زد، یا صرف نظر کردن از جبران خسارت، قابل پذیرش نیست. اگر اسباب متعدد در شکل گیری و تسریع نتیجه نقش داشته باشند، طبق ضوابط کلی هر عاملی که سبب محسوب می شود باید در زمره عوامل جبران کننده قرار گیرد. بر آورد میزان مسئولیت هر سبب در میان دخالت سایر اسباب، باید با توجه به مبانی مسئولیت مدنی و قواعد حقوقی در نظر گرفته شود. در این خصوص نظریات تضامن، مسئولیت به میزان درجه تقصیر، مسئولیت به میزان تأثیر هر عامل در ایجاد نتیجه و تساوی مسئولیت ارائه شده است که هر کدام از این راهکارها دارای معایب و مزایایی هستند؛ لیکن پذیرش نظریه میزان مسئولیت بر اساس تأثیر و

۱. ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی: «دادگاه می تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد:

- ۱- هرگاه پس از وقوع خسارت، وارد کننده زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد.
- ۲- هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلی بود که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده زیان شود.
- ۳- وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد.»

نقش هر عامل در شکل‌گیری نتیجه با توجه به آیات و روایات، قوانین وضع‌شده جدید در این باب و مبانی مسئولیت مدنی که تحلیل شد، قابل قبول و مورد پذیرش است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

- کتاب

- قرآن کریم، ترجمه: آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- امامی، سیدحسن. (۱۳۹۰). حقوق مدنی، ۶ جلد، جلد اول، چاپ سی و یکم، تهران: نشر اسلامی.
- تقی زاده، ابراهیم و هاشمی، سیداحمدعلی. (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی (ضممان قهری)، چاپ اول، تهران: دانشگاه پیام نور.
- خدابخشی، عبدالله. (۱۳۸۹). جبران خسارت کارگران در نظام مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- خوئی، سیدابوالقاسم. (۱۳۹۱). ترجمه مبانی تکمله المنهاج، ترجمه: علیرضا سعید، ۲ جلد، جلد دوم، چاپ دوم، تهران.
- ره پیک، حسن. (۱۳۸۵). حقوق مدنی حقوق قراردادها، تهران: خرسندی.
- _____ (۱۳۸۸). حقوق مسئولیت مدنی و جبرانها، چاپ سوم، تهران: خرسندی.
- سعادت مصطفوی، سیدمصطفی. (۱۳۹۰). تعدد عوامل موجب خسارت در حقوق ایران و فقه امامیه، تهران: نشر دانشگاه امام صادق.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۷۹). اصول قراردادها و تعهدات، چاپ اول، تهران: نشر حقوقدان.
- _____ (۱۳۸۲). حقوق مدنی (۳ آثار قراردادها و تعهدات، ۵ جلد، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- _____ (۱۳۷۶). ارث، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- صفایی، سیدحسین. (۱۳۵۱). دوره مقدماتی حقوق مدنی-تعهدات و قراردادها، ۲ جلد، جلد دوم، تهران: نشریه مؤسسه عالی حسابداری.
- صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب الله. (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: سمت.
- عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، ویراستار: عزیزاله علیزاده، تهران: راه رشد.
- قاسم زاده، سیدمرتضی. (۱۳۹۰). الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ نهم، تهران: نشر میزان.

- قائم مقامی، عبدالمجید. (۱۳۸۵). *حقوق تعهدات*، ۲ جلد، جلد اول، چاپ سوم، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱). *الزامهای خارج از قرارداد*، ۲ جلد، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۶). *قواعد عمومی قراردادها*، ۵ جلد، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- *مذاکرات و آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور*، (۱۳۷۷)، چاپ دوم، تهران: اداره وحدت رویه و نشر مذاکرات.
- _____ (۱۳۸۰)، چاپ اول، تهران: اداره وحدت رویه و نشر مذاکرات.
- نجیب حسنی، محمود. (۱۳۸۶). *رابطه سببیت در حقوق کیفری*، ترجمه: سیدعلی عباس نیای زارع، چاپ دوم، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

ب) عربی

- علامه حلی. (۱۴۱۰ ه.ق). *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*، ۲ جلد، جلد دوم، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- _____ (۱۴۱۳ ه.ق). *قواعد الاحکام فی سلسله الینایع الفقہیہ*، ۳ جلد، جلد سوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

مقاله

- خدابخشی، عبدالله. (۱۳۹۱). «توزیع خسارت در حقوق مسئولیت مدنی در فرض تعدد اسباب»، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، صص ۱۰۹-۱۲۶.